

# بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر منزلت اجتماعی معلمان

مهدی نوید ادهم\*

حمید شفیعی زاده\*\*

## چکیده

آموزش و پرورش به منزله قلب پیکره جامعه است که موجب رشد و پیشرفت بخش‌های دیگر جامعه می‌شود. با مطالعه تاریخ کشورهای پیشرفته متوجه می‌شویم آموزش و پرورش در ارتقای بخش‌های دیگر کشور نقش پررنگی بر عهده دارد. اما نکته مهم این است که اهمیت تعلیم و تربیت به عوامل آن بر می‌گردد و در میان عوامل آموزشی و پرورشی، «معلم» مهم‌ترین عامل تلقی می‌شود. تحقیق حاضر با هدف بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر منزلت اجتماعی معلمان انجام شده است. این تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق معلمان مدارس مقطع ابتدایی و متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ به نمونه آماری شامل ۳۸۴ نفر (طبق جدول مورگان) است که به روش تصادفی خوشه‌ای از میان پنج منطقه (۱۶، ۱۳، ۱۰، ۷، ۳) انتخاب و بررسی شده‌اند. ابزار اصلی تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق‌ساخته بوده است. پس از مرور کتابخانه‌ای و اینترنتی اسناد و منابع مربوط به پیشینه منزلت اجتماعی در ایران و جهان، یازده مؤلفه شناسایی شده فهرست شد و نیز از معلمان خواسته شد بر اساس طیف لیکرت و با توجه به اهمیت آنها به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر منزلت اجتماعی، امتیازی بین ۱ تا ۵ به آنها اختصاص دهند. روایی پرسشنامه با استفاده از روش روایی محتوا و با نظر چندین صاحب‌نظر در حوزه تعلیم و تربیت پس از اعمال اصلاحات تأیید شد. برای حصول از پایایی پرسشنامه تحقیق نیز از آزمون آلفای کرونباخ بهره گرفته شد که ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۵ به دست آمد و بدین گونه ابزار تحقیق تأیید و در اختیار پاسخگویان قرار داده شد. پس از گردآوری و ورود داده‌ها به رایانه با کمک نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۱/۵، از آزمون t تک نمونه‌ای و آزمون فریدمن برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. نتایج نشان داد که از ۱۱ مؤلفه، میانگین ۸ مؤلفه بالاتر از میانگین متوسط بوده است. از طرف دیگر نتایج آزمون فریدمن نیز نشان داد که مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر منزلت اجتماعی معلمان شامل اصلاح نگرش جامعه به مصرف‌کننده بودن آموزش و پرورش، ارج نهادن به ارزش‌های حرفه معلمی در جامعه و قدردانی مادی و معنوی از معلمان، فراهم کردن زمینه مشارکت معلمان در فعالیت‌های اجتماعی- فرهنگی جامعه و اولویت دادن به تعلیم و تربیت در کنار موضوعات مهم و کلان‌کشوری بوده است.

## واژگان کلیدی

عوامل اجتماعی- فرهنگی، منزلت اجتماعی، معلمان

\* دکتری مدیریت فرهنگی و معاون پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام

Email: mahnavid@yahoo.com

\*\* استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گرمسار، ایران (نویسنده مسئول)

Email: shafizadeh11@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۲۰

تاریخ ارسال: ۹۳/۱۰/۱۵

فصلنامه راهبرد/سال بیست و سوم/شماره ۷۳/ زمستان ۱۳۹۳/صص ۱۹۴-۱۷۵

## جستار گشایی

مطالعه منزلت نسبی مشاغل که به معنای قدر و قیمت یا وزن اجتماعی مشاغل در نظر مردم است و بررسی پایگاه اجتماعی مشاغل که رتبه‌بندی مشاغل براساس ملاک‌های عینی مضمون در شغل است، اقبال فزاینده‌ای داشته است. شروع این مطالعات در غرب به سال‌های ۱۹۴۰ برمی‌گردد که نورت و هات<sup>۱</sup> (۱۹۴۰) آن را پایه‌ریزی کردند. سپس جامعه‌شناسان دیگری مانند سیگل، تریمن، باس و راسی و لین<sup>۲</sup> آن را ادامه دادند. این گروه بیشتر به منزلت مشاغل بر مبنای بررسی افکار توجه کرده‌اند. دسته دوم از پژوهشگران در تلاش‌اند تا بر مبنای توانایی، دانایی و کسب دارایی مضمون در هر شغل به سنجش پایگاه مشاغل مبادرت ورزند. دانکن، گلدتروپ سورنسن و رایت<sup>۳</sup> نمونه‌ای از این جامعه‌شناسان‌اند. به هر صورت افزایش مطالعه منزلت مشاغل در جوامع گوناگون مبنای مقایسه‌ای جهانی را فراهم کرده که نهایتاً به صورت مقیاس بین‌المللی منزلت مشاغل ظاهر شده است. مسلماً دستیابی به چنین مقیاسی بر اساس پیشرفت مشابهت منزلت مشاغل در جوامع متفاوت امکان یافته است؛ مشابهتی که در چهارچوب تفکیک اجتماعی، به مثابه فرایندی از صنعتی شدن و افزایش شهرنشینی جدید یا نفوذ غرب تفسیر شده است (Vernon, 2001, p.345). با وجود این، تأکید شده است که وجود فرهنگ‌های متفاوت و حاکمیت ایدئولوژیکی - سیاسی متفاوت در جوامعی که حتی فرایند صنعتی شدن را پشت‌سر گذارده‌اند (مانند چین) باعث شده است منزلت همه مشاغل با منزلت مشاغل در غرب مساوی نباشد. بعضی از مشاغلی که بار سیاسی ایدئولوژیکی بیشتری دارند، معنای متفاوتی پیدا می‌کنند (Dinham & Scott, 2000, p.51). بنابراین، رتبه‌بندی آنها طبق قاعده‌ای جهان‌شمول امکان ندارد. پس نمی‌توان نظریه تریمن را به طور کل پذیرفت که رتبه‌بندی همه مشاغل از عناصر ارزشی خاص رها شده و به رتبه‌بندی جهان‌شمولی رسیده است (Heller, 1999, p.25). بنابراین موضوع مورد توجه درباره جامعه ایران این است: در جامعه‌ای که از نظام بسته قبل از مشروطیت به تحولات وسیعی از نظر صنعتی و شهرنشینی نائل آمد و در مجموع ساخت اجتماعی جدیدی یافته است، مشاغل برای مردم چه معنی پیدا کرده است؟ به خصوص که بعد از انقلاب اسلامی تغییراتی به وجود آمده و ایدئولوژی اسلامی با حاکمیت سیاسی دوباره مجال بروز پیدا کرده است و اولیای امور درباره مشاغل دیدگاه‌هایی

1. North and Hot

2. Siegel, Trymn, bass, Rassi and Lin

3. Duncan, Goldtrop Sorensen and Wright

خاص را مستقیم ارائه کرده‌اند. باید دید این تغییرات چه تأثیری بر نظر مردم درباره مشاغل روشنفکری یا مشاغل ذهنی داشته است. به عبارت دیگر آیا می‌توان درباره ایران نیز گفت که مشاغل مبتنی بر تحصیلات رسمی یا در اصل روشنفکری، به طور جهان‌شمول ارزش بالاتری دارند؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها و به دلیل شاخص‌سازی که به آن اشاره شد، بررسی منزلت مشاغل سودمند است و راه را برای مطالعات وسیع‌تر باز می‌کند. به‌رغم مطالعات فراوانی که در کشورهای دیگر و به‌خصوص در غرب در زمینه منزلت مشاغل انجام پذیرفته، در ایران تحقیقات چندانی در این مورد، به‌ویژه منزلت شغلی معلمان (البته با عمق زیاد) انجام نشده است که نیازمند تحقیقات بیشتری در این زمینه است. تحقیق حاضر در همین خصوص به دنبال پاسخ به سؤالات زیر است:

عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر منزلت اجتماعی معلمان با استفاده از ادبیات پژوهش کدام است؟

از نظر معلمان مهم‌ترین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر منزلت اجتماعی معلمان کدام است؟

اولویت‌بندی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر منزلت اجتماعی معلمان کدام است؟

## ۱. منزلت نهاد آموزش و پرورش

نهادهای سازمان‌های اجتماعی مجموعه جامعه را تشکیل می‌دهند و نیروی انسانی و فیزیکی نیز این نهادها را تکمیل و تقویت می‌کنند. آنها در پیوند با یکدیگرند و فعالیت‌های اجتماعی را تحت قاعده و نظم در می‌آورند و از این راه به تثبیت و تدام و کنترل جامعه نائل می‌شوند. با وجود این، نهادهای جامعه هم‌تراز نیستند یعنی هم‌ارزش و با یک منزلت تصور نمی‌شوند و نظام آموزش و پرورش در مقام یک نهاد اجتماعی از منزلت هم‌تراز با نهادهای دیگر برخوردار نیست (علاقه‌بند، ۱۳۸۲، ص ۴). با توجه به اینکه نظام آموزشی وسیله‌ای است که از طریق آن دسترسی و دستیابی به قدرت، منزلت، ثروت در جامعه ممکن می‌شود، از این رو شاید بتوان از نقش و اهمیت آموزش و پرورش در نظام اجتماعی سخن به میان آورد. این امر در مجموع از دو دیدگاه بررسی می‌شود، نخست اینکه نظام آموزش و پرورش و کارکرد اجتماعی و جامعه و فرهنگ و تمدن آن بدون افراد تعلیم‌دیده و تربیت‌یافته نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد و دیگر اینکه ملاحظه می‌شود که پایگاه و منزلت آموزش و پرورش و سازمان‌های آن به دلیل موظف بودن این نهاد به کشف، انتقال و مبادله دانش و معرفت جدید، ارتقا یافته و حتی ارزش فوق‌العاده‌ای نیز پیدا کرده است، به‌ویژه به دلیل ناظر بودن اهداف آن به مسائل پیشین، پایگاه

بسیار مهم و بالایی در جامعه کسب کرده است؛ زیرا از طریق اشاعه دانش‌های جدید و پروژه‌های علمی به توسعه تکنولوژیکی جامعه و تغییرات اجتماعی مدد می‌رساند (Hoyle, 2010, p.151). از این رو به نظر می‌رسد که تأثیر نهادهای آموزشی بر نهادهای دیگر جامعه روزافزون شده است. با وجود این منزلت اجتماعی نهاد آموزش و پرورش در سازمان و نظام اجتماعی جامعه ما کم و بیش از اغلب جوامع تحت‌الشعاع نهادهای دیگر چون نهادهای دینی-سیاسی و سیاسی-اقتصادی یا سیاسی-فرهنگی و نظایر آن بوده است.

## ۲. منزلت اجتماعی مدارس

آموزش و پرورش به مثابه نهادی اجتماعی اجزایی دارد که هر یک می‌توانند از منزلت کل نظام متأثر شوند و خود نیز بر منزلت اجتماعی نظام خود تأثیر تأثیر بگذارند. مدارس از جمله این اجزاست که به منزلت نظام آموزش و پرورش بستگی دارد. مدارس خود از دو بخش فیزیکی و انسانی تشکیل می‌شود. بخش انسانی همان معلمان اند و دانش‌آموزان آموزش و بخش فیزیکی کلیه امکانات ساختمانی، آموزش و پرورش و رفاهی را شامل می‌شود. مدارس که جاذبه‌های بسیار زیادی برای جلب دانش‌آموز دارند، قطعاً در افزایش شأن و منزلت نظام تأثیر خواهند داشت (Lin, 2005, pp.25-27). معلمان نیز می‌توانند با بهره‌گیری بیشتر از امکانات رفاهی و آموزشی موجود در مدارس ضمن ایجاد انگیزه و رغبت در افراد برای ایجاد پایگاه مناسب نظام تأثیر تأثیر زیادی داشته باشند. در حال حاضر بیشتر مدارس موجود در مناطق شهری و روستایی دورافتاده چنان جذابیت لازم و امکانات آموزشی مناسبی ندارند و بر همین اساس قدرت، نفوذ و حیثیت کمتری دارند و به همین دلیل هم ذهنیت نامناسبی در دانش‌آموزان، اولیا و دیگر افراد گذاشته اند و این یعنی کاهش جایگاه اجتماعی مدارس و کم شدن ارزش و منزلت اجزای دیگر مانند معلمان (بهمنی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۴).

## ۳. منزلت اجتماعی معلمان

منشأ ایجاد هر گونه تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش را باید در جایگاه و اعتبار محوری معلم جست‌وجو کرد (Ramanathan, 2007, p.2). پایگاه اجتماعی معلمان در کل از دو عامل متأثر می‌شوند: (۱) عواملی که به دلیل قرار گرفتن افراد در شغل مورد نظر یعنی معلمی مورد نظر است، یعنی منزلت شغل و نظام یا نهاد آموزش و پرورش خود می‌تواند پایگاه منزلت معلمان که یکی از اجزای این مجموعه است را تغییر دهد یا حتی آن را تعیین کند. عامل دیگر

ویژگی های شخصی و شخصیتی معلم است که ذهنیتی خاص در افراد جامعه درباره این فرد ایجاد می کند.

### ۳-۱. عقیده معلم راجع به خودش

عقیده معلم درباره شغل و خودش به چند عامل بر می گردد. از آن جمله می توان موارد زیر را نام برد: معلومات معلم، دلیل انتخاب شغل، تخصص در حرفه معلمی و سن معلم (رون، ۱۳۹۱، ص ۲۳). البته عوامل دیگری نیز در شکل گیری دیدگاه معلمان درباره خودشان مؤثر است از جمله: حقوق و درآمد معلم، نظر جامعه در خصوص شغل معلمی، میزان ارزش معلم، میزان ارج نهادن به معلم از طرف صاحب نظران و مواردی از این قبیل. در ادامه به برخی از این ویژگی ها می پردازیم که به ایجاد دیدگاه خاص معلم درباره خودش منجر می شود (رون، ۱۳۹۱، صص ۲۷-۲۱).

**معلومات.** اگر معلم احساس کند که به افزایش معلومات نیاز دارد، به دنبال تحصیل آن خواهد رفت و مدارک بالاتری کسب خواهد کرد. معلم مراکز دانشگاهی وظیفه دارد که شاگردان را در تحقیقات راهنمایی کند و معلم مدارس متوسطه می خواهد شاگردان را برای دنیا و جامعه آماده کند و فرقی نمی کند که هنر درس بدهد یا علوم. در هر صورت خود را معلم یک مدرسه عالی می داند. در مدارس معمولی بیشتر به ساختن شخصیت و رفتار شاگردان دقت می شود و معلم خود را بیشتر سازنده انسان ها حس می کند.

**دلیل انتخاب شغل.** یکی از تحقیقاتی که دلیل انتخاب شغل معلمی را بررسی می کند، در اسکاتلند انجام شد. تحقیق بین ۲۹۶ شاگرد دانشسرای عالی ۲۰ دلیل را برای انتخاب شغل معلمی تعیین کرد. دوست داشتن بچه ها، علاقه به تدریس، امنیت در کار، فعالیت در رشته و معلومات تخصصی خود فرد به ترتیب از جمله دلایل عمومی برای انتخاب شغل معلمی بود. حتی معنویت حاکم بر این شغل نیز یکی از دلایل ذکر شده بود.

**تخصص در حرفه معلمی.** کارآموزی فن تدریس یکی از شروط اصلی است که معلمان باید حائز آن باشند. تعداد عمده معلمان این دوره را در مراکز مختلفی می گذرانند که به تربیت معلم ها می پردازد و در این صورت است که تسلط معلم در کلاس درس افزایش می یابد و ضمن کنترل کامل کلاس و به کار بردن روش های مختلف تدریس و کلاس داری خود را مفیدتر و مسلط تر احساس می کنند. در این رابطه تحقیقی در جوامع امریکا و انگلیس انجام شد که نتایج مشابهی داشت. معلمان دانشگاه دیده از معلمان دیگر هوش و معلومات بیشتری داشتند ولی از لحاظ اداره کلاس و رفتار، معلمان دیگر برتر بودند و روی هم رفته باید گفت معلمان

دانشگاه ندیده از لحاظ روش در رفتار، نمره بهتری می‌گرفتند تا از لحاظ موضوعات علمی و درسی. بنابراین اگر معلمان دانشگاه دیده دوره کارآموزی ببینند و چند سالی تدریس کنند، قطعاً مفیدتر خواهند بود.

**سن معلم.** اثر سن در قضاوت معلم درباره خودش بسیار مهم است. معلمان جوان خود را مفیدتر می‌دانند و آینده خود را روشن‌تر تلقی می‌کنند. این متغیر در آلمان و هلند مطالعه شد و نتایج آن به شرح زیر است: قضاوت و دید معلم درباره طرز رفتارش تحت‌تأثیر سن قرار می‌گیرد و دلیل آن وضعیت و موقعیتی است که او در آن رشد کرده و بزرگ شده است. فلسفه و روش اجتماعی که در زمان تحصیل او حکمفرما بود، بیش از هر چیز بر او اثر می‌گذارد و به همین دلیل قضاوت و رفتار معلمان جوان در بسیاری از موارد با معلمان مسن متفاوت است. معلمان جوان اصولاً انضباط و مقررات را جدی‌تر تلقی می‌کنند و در کلیه حرکات که از سن نشئت می‌گیرد، این اختلاف به چشم می‌خورد (رون، ۱۳۹۱، ص ۲۹).

با توجه به پیچیدگی فرهنگی، ادغام طبقات، مهاجرت‌های مختلف و عوامل بسیار دیگر واقعاً توجه به جایگاه معلم و وظایف اصلی وی و درک تفاوت‌های فردی در کلاس بسیار مؤثرتر است. همچنین عوامل بسیاری در جوامع ایجاد شده است که بر دیدگاه معلم درباره خودش مؤثر است. قطعاً عواملی که نام برده شد، فقط عوامل مؤثر در شکل‌گیری دیدگاه معلم درباره خودش نیست. مقایسه منزلت اجتماعی در غرب و اسلام: مفروض این است که علم و معلمی در مکتب الهی جایگاه بسیار والا و رفیعی دارد و نگاه الهی به معلم در انسان‌سازی و پرورش جوانان و جامعه خدامحور اهمیت فراوانی دارد. پرداختن به مقوله منزلت علم، تدریس و معلم بدون توجه به جایگاه این مقوله در جوامع قدیم و جدید ممکن نخواهد بود. جامعه‌شناسی غربی برای هر کس منزلت و پایگاه اجتماعی خاصی قائل است و با توجه به آن منزلت اجتماعی هر شخصی مشخص می‌شود و فراخور آن از حقوق و مزایای اقتصادی و اجتماعی مانند احترام و جایگاه اجتماعی بهره‌مند می‌شود. پول، طبقه اجتماعی، قشر اجتماعی و قدرت از مؤلفه‌های تشخیص منزلت اجتماعی است. پایگاه اجتماعی بر دو نوع است: انتسابی و اکتسابی. در جهان غرب هر شخصی هر قدر در طبقه بالاتری از اجتماع قرار گرفته باشد و از امکانات اقتصادی، پول و ثروت، قدرت و شهرت بیشتری بهره‌مند باشد، منزلت بیشتری دارد. این خود معیاری برای ارزشمند بودن و تبدیل شدن به الگوهای نقش است. الگوهای نقش عبارت است از: اشخاصی که در نظر ما ارزش خاصی دارند و از رفتارشان سرمشق می‌گیریم. برای همین در غرب اغلب افراد سرشناس مانند هنرپیشگان، الگوهای نقش جامعه هستند و مردم رفتار آنها را

سرمشق خود قرار می دهند. حال اینکه آنان افرادی معمولی هستند که برای کسب درآمد بیشتر به فعالیت های هنری می پردازند و برای رفتارهای اخلاقی، اعتقادی و اجتماعی الگوهای مناسبی نیستند. دید اندیشه‌وران جامعه‌شناسی درباره منزلت اجتماعی در دید مردم تأثیر فراوانی دارد. آنها منزلت اجتماعی و دیگر مؤلفه‌های اجتماعی مانند شأنیت را از دید مذهبی و اعتقادی بررسی نمی کنند و آن را در نظر نمی گیرند (افلاکی فرد، ۱۳۸۰، ص ۹۵). «اسلام» برخلاف غرب معیار اصلی منزلت را آراستگی به فضایل و پرهیز از رذایل قرار داده است. هر کسی تقوای بیشتری داشته باشد منزلت بیشتری نیز دارد. الگوهای نقش در رفتارهای اجتماعی اشخاص نقش مهمی دارند. هر شخصی با دید احترام و تقلید به الگوی خود نگاه می کند و می کوشد مانندش شود. جوانان باید در انتخاب الگو بیشتر دقت کنند و معیار انتخاب را به خوبی بشناسند و با توجه به معیارهای اسلامی و ارزشی الگو انتخاب کنند. امروزه تبلیغات رسانه‌های غرب به شکل‌های گوناگون در پی تغییر سلیقه مخاطب و جوانان است تا به جای انتخاب الگوهایی مانند سیدعلی قاضی (ره)، شیخ رجب علی خیاط، امام راحل (ره) و ... الگوهای غربی مانند هنرپیشگان و خوانندگان را الگو قرار دهند. خود می دانیم که مقصود هر انسانی دربردارنده ارزش وی است؛ یعنی به اندازه ارزش مقصود و هدف، ارزش اندیشه فرد مشخص می شود. وقتی فرد مسلمان، امامان معصوم (ع)، عارفان، صالحان، شهدا و عالمان را الگوی خود قرار می دهد که همگی بوی الهی دارند، ارزش خود را می رساند و در مقام بالایی قرار می گیرد، هر چند دقیقاً مانند آنان نشود.

### ۳-۲. شاخص جهانی جایگاه معلم در سال ۲۰۱۳

مؤسسه وارکی جمز<sup>۴</sup> در سال ۲۰۱۳، پیمایش وسیعی میان ۲۱ کشور انجام داد که ۱۰۰۰ پاسخگو در هر کشور در این پیمایش شرکت کردند. این کشورها عبارت بود از: برزیل، چین، جمهوری چک، مصر، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، رژیم اشغالگر قدس، ایتالیا، ژاپن، هلند، نیوزیلند، پرتغال، ترکیه، سنگاپور، کره جنوبی، اسپانیا، سوئد، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا. این کشورها براساس عملکردشان در ارزیابی‌های PISA و TIMSS<sup>۵</sup> انتخاب شدند تا نماینده‌ای از هر قاره و انواع نظام‌های آموزشی باشند. ایجاد نمونه‌ای با نسبت مرتبط با جمعیت بااهمیت تلقی می‌شد. داده‌های این مطالعه را شرکت آمارگیری پاپیولوس<sup>۶</sup> از طریق پیمایش گردآوری

4. Varkey Gems

5. Trends in International Mathematics and Science Study

6. Populus

کرد. این پیمایش سطح احترام و شأن معلمان را در کشورهای مختلف بررسی کرد. این مطالعه دریافت که متوسط رتبه‌بندی احترام برای معلم در میان این ۲۱ کشور رتبه هفتم از ۱۴ تخصص و حرفه بود که نشان‌دهنده جایگاه متوسط این حرفه است. اجماع بین‌المللی برای قیاس حرفه معلمی با حرفه‌های دیگر وجود نداشت. تفاوت معناداری میان کشورها درباره تشویق نسل جوانشان به حرفه معلمی وجود داشت. در عین حال که پنجاه درصد از والدین در چین مشوق آن بودند، این آمار در اسرائیل ۸ درصد بود. والدین در چین، کره جنوبی، ترکیه و مصر بیشتر تمایل داشتند که فرزندانشان به معلمی روی آورند. به طور مشابه، این کشورها درباره احترام دانش‌آموزان به معلمان باور عمیق‌تری داشتند. در بیشتر کشورهای اروپایی، بیشتر پاسخ‌دهندگان بر این باور بودند که دانش‌آموزان برای معلمان احترامی قائل نیستند. نتایج نشان داد چین، کره جنوبی، ترکیه، مصر و یونان بیش از تمامی کشورهای اروپایی و انگلوساکسون برای معلمان احترام و شأن قائل‌اند.

### ۳-۳. مقام و منزلت معلم از دیدگاه یونسکو

سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو<sup>۷</sup>) در اکتبر ۱۹۶۶ توصیه‌نامه‌ای برای ارج نهادن به مقام و منزلت معلم تدوین کرد. این توصیه‌نامه در ۱۳ فصل و ۱۴۶ ماده تنظیم شده و تقریباً به همه جنبه‌های زندگی و کار معلمان توجه کرده است. هرچند اجرای این توصیه‌نامه مانند تعهدنامه‌های بین‌المللی برای دولت‌ها الزام‌آور نیست، دولت‌های عضو یونسکو نمی‌توانند به این توصیه‌ها بی‌اعتنا باشند. نمایندگان کشورها در جلسات عمومی باید میزان پیشرفت دولت متبوعشان را در جهت اجرای مفاد آن گزارش کنند. برخلاف تصور رایج، سیاست‌ها و برنامه‌های یونسکو در مجمع عمومی این سازمان و با رأی برابر اعضا تصویب می‌شود (هر هیئت یک رأی). در میان ۱۹۱ کشور عضو این سازمان، کشورهای موسوم به غیرمتعهد اکثریت مطلق اعضا را تشکیل می‌دهند و جایگاهی اساسی در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های یونسکو دارند. برخی کشورهای غربی یونسکو را پایگاه کمونیست‌ها و کشورهای جهان سوم برای حمله به جهان غرب می‌دانستند. ایالات متحده و انگلیس با همین تحلیل در دهه ۸۰ میلادی و در اعتراض به برخی تصمیمات یونسکو از این سازمان خارج شدند. انگلستان در سال ۱۹۹۷ و آمریکا در سال ۲۰۰۳ مجدداً به عضویت یونسکو درآمدند. علاوه بر این توصیه‌های یونسکو جنبه سیاسی ندارد و تنوع نظام‌های آموزشی و تفاوت‌های فرهنگی در کشورهای مختلف را به

7. United Nations Educational, Scientific and Cultural United Nations (UNESCO)



رسمیت می‌شناسد. ایران عضو رسمی یونسکو است و شورای عالی آموزش و پرورش باید در تدوین اسناد تحولی مفاد این توصیه‌نامه و دیگر توصیه‌های این نهاد آموزشی و فرهنگی را لحاظ کند. توصیه‌نامه مقام و منزلت معلم از دیدگاه یونسکو را نمی‌توان به بهانه تعارض سیاسی و حتی فرهنگی بایگانی کرد؛ چون اصولاً فارغ از جنبه‌های فرهنگی و سیاسی و با نگاه حرفه‌ای و تخصصی نوشته شده است. توصیه‌ها عمدتاً شامل پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت کار و زندگی معلمان است. مراد از منزلت، توجه به جنبه معنوی شغل معلمی و احترام و قدردانی از معلمان و توجه به استانداردهای مادی یعنی دستمزد و مزایای شغلی مناسب، امنیت شغلی و تأمین اجتماعی برای معلمان است (Treiman, 2004, p.123). در این توصیه‌نامه آمده است؛ باید به معلمی همانند یک حرفه توجه کرد. این شغل خدمتی عمومی است که به معلمانی دانشمند و خبره نیاز دارد که از روحیه لازم، هوش، سلامت جسمی، مهارت و دانش شغلی بهره‌مند باشند و با استفاده از مطالعات روزمره دانش و مهارت خود را بالا ببرند. ورود به حرفه معلمی باید از هرگونه تبعیض نژادی، رنگ، جنس، مذهب، عقیده سیاسی، خاستگاه ملی و اجتماعی و وضعیت اقتصادی مبرا باشد. برنامه تربیت معلم باید شامل دوره آموزش عالی، آموزش اختصاصی و کسب مهارت‌های تربیتی به صورت موازی یا متوالی باشد. وجود سازمان معلمان به‌عنوان تشکلی حرفه‌ای و غیردولتی برای پیگیری مطالبات معلمان ضروری است. این سازمان و دستگاه آموزش و پرورش در تعیین سیاست‌های آموزشی مناسب برای دستیابی به آموزش و پرورش پیشرفته به طور متحد عمل می‌کند. داشتن معلمانی مجرب و بانگیزه، ایجاد جاذبه برای جذب نیروهای برتر و صیانت از حرفه معلمی اساس توسعه کیفی نیروی انسانی آموزش و پرورش است. اگر می‌خواهید بهترین‌ها برای ورود به شغل معلمی مقابل آموزش و پرورش صف بکشند، به تبلیغات نیازی نیست (یونسکو، ۱۹۹۴). توجه به رفاه و تأمین معیشت معلمان و بهبود موقعیت کار و زندگی معلم بهترین راهکار برای جذب نخبه‌های دانشگاهی است.

پرتیچارد<sup>۸</sup> (۲۰۰۳) در تحقیقی با عنوان «جایگاه معلمان در آلمان و ایرلند» به نتایج زیر رسیده است: معلمان ایرلندی در مقایسه با معلمان آلمانی دریافت بهتری از وضعیت خود در جامعه دارند. همچنین معلمان ایرلندی در مقایسه با معلمان آلمانی ظاهراً به وضعیت حرفه‌ای اهمیت کمتری می‌دهند و سرانجام معلمان ایرلندی اعتماد به نفس بیشتری در مقایسه با معلمان آلمانی در آموزش به‌عنوان تعالی وضعیت اجتماعی خود دارند. از پژوهش جنکینسون و

چپمن<sup>۹</sup> (۲۰۰۲) در ۱۹۰ مدرسه دولتی و ۱۰۰ مدرسه غیردولتی جامائیکا چنین بر می‌آید که قدردانی والدین و جامعه از معلمان به انضمام جو مناسب مدرسه و اجتماع در عملکرد معلمان تأثیر دارد، هرچند معلمان نیز انتظار دارند مدرسه و والدین و جامعه جایگاه آنان را ارج بنهد. لی<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۲) به بررسی پایگاه اجتماعی معلمان در کشور تایوان و مقایسه پایگاه اجتماعی معلمان تایوان و فعالیت کاری با دیگر معلمان در سطح بین‌المللی می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد معلمان از حرفه خود رضایت کامل دارند و بررسی‌های عمده در مناطق شهری و روستایی تایوان نشان می‌دهد که بیشتر معلمان مدارس از شغل خود و حقوق و امکانات مالی خود رضایت دارند، استرس شغلی کمتری دارند و با والدین و دانش‌آموزان همکاری و رابطه اجتماعی قوی‌تری دارند. بنابراین، با توجه به رضایت شغلی موجود در این حرفه، عده زیادی از معلمان تمایل دارند در حرفه آموزشی خویش باقی بمانند و تدریس کنند. در تایوان، توانایی آموزشی معلمان به‌طور عمده سطح بالایی دارد. روش‌های حکومتی تایوان بر معیارهای تحصیلات، ارزشیابی و تعلیم و آموزش معلمان و استخدام و نگهداری وضعیت شغلی مناسب برای آنان و... غیر مستقیم بر پایگاه اجتماعی معلمان تأثیر داشته است و پذیرش این معیارها بر اثر سطح بالای منزلت اجتماعی، طبقه‌بندی‌های شغلی و توانایی‌های آموزشی و نقش مثبت معلمان در تایوان ایجاد شده است. از این‌رو دولت با فراهم کردن برنامه‌های تشویقی نظیر شهریه مناسب، فراغت از تحصیل، یارانه برای خرید کتاب و لباس و... قادر شده است آموزشی را به‌کار گیرد که دانش‌آموزان را به معلمان تعلیم‌یافته آینده تبدیل کند (Vernon, 2001, p.349). تحقیقی با عنوان بررسی پایگاه حرفه‌ای و احساس اجتماعی معلمان در آموزش و پرورش ابتدایی و راهنمایی استرالیا انجام داد. هدف عمده این تحقیق، بررسی تصورات حرفه‌ای معلمان مقاطع ابتدایی و راهنمایی استرالیا از حرفه خودشان در مقایسه با مشاغل دیگر است. معلمان استرالیایی از نظر نگاه به آینده، اعتقاد به تکنولوژی به‌عنوان عامل تغییر، خود را پایین‌تر ارزیابی می‌کنند و نیازمند آن هستند که از مزایای تکنولوژی یک در دسترس، مبادلات و دیگر امکانات مشابه برای آموزش استفاده کنند. فدراسیون معلمان امریکایی (AFT)<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۹) تحقیقی را تحت عنوان «مقایسه معلمان ایالات متحده در سطح بین‌الملل، بررسی تطبیقی حقوق معلمان، تربیت معلم و شرایط آن» انجام داده است. نتایج نشان داد میزان حقوقی که به

---

9. Jenkinson and Chapman

10. Lee

11. American Federation Teachers

معلمان ابتدایی می‌پردازند، آموزشی که به آنها می‌دهند و احترامی که برای آنها قائل‌اند بسیار کمتر از معلمان متوسطه و حقوق کمتر بازتاب تحصیلات کمتر معلمان است. مفهوم واضح آن ناچیز شمردن نقش معلمان ابتدایی نسبت به معلمان متوسطه است. بررسی جداول حقوقی کشورهای مطالعه‌شده این پژوهش نشان می‌دهد ایالات متحده و فرانسه در پرداخت حقوق معلمان ابتدایی پایین‌تر از میانگین قرار دادند. ژاپن در مقایسه با هفده کشور بررسی‌شده بالاترین حقوق را دارد. مسئولان آموزشی ایالات متحده در مقایسه با هم‌تایان خارجی خود از معلمان ابتدایی انتظار کار بیشتری دارند، در حالی که حقوق آنان در پایین‌ترین سطح ممکن قرار دارد ولی مجموع ساعات تدریس هفتگی آنان طولانی‌تر از حد میانگین است. تحقیقات فلوزی<sup>۱۲</sup> (۱۹۹۳) نشان داده است که معلمان هر چقدر بیشتر احساس کنند که به حرفه آنها اهمیت داده می‌شود، روحیه بهتری پیدا می‌کنند و هرچه روحیه معلم بالا باشد، جو روانی و اجتماعی کلاس مثبت‌تر می‌شود و این عامل در مجموع سبب می‌شود دانش‌آموزان در کلاس مشارکت کنند و رابطه مثبت و صمیمی بین آنها ایجاد می‌شود و در نهایت به انجام دادن تکالیف و تلاش بیشتر منجر می‌شود.

فیروزی ثانی (۱۳۸۹) تحقیقی با عنوان بررسی راه‌های افزایش منزلت اجتماعی معلمان از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر مرنده به ثمر رسانده است. سؤال اصلی تحقیق این بود که شاخص منزلت اجتماعی بین معلمان و دانش‌آموزان کشور ما چگونه است؟ این تحقیق در نمونه‌ای با حجم ۱۵۰ نفر از جامعه معلمان و دانش‌آموزان شهر مرنده اجرا شده و مهم‌ترین نتایج آن به شرح زیر است: دانش‌آموزان بیش از معلمان بر پایگاه والای معلمان تأکید کرده‌اند. بین حقوق معلمان و پایگاه اجتماعی آنان رابطه وجود دارد. بین گزینش معلمان و پایگاه اجتماعی آنان رابطه وجود دارد. بین ایجاد تشکلهای صنفی معلمان و منزلت اجتماعی معلمان رابطه وجود دارد. بین مدیریت منابع انسانی در آموزش و پرورش با منزلت اجتماعی معلمان رابطه وجود دارد. رودباری و حکیمی (۱۳۸۸) تحقیقی با عنوان مقایسه جایگاه اجتماعی معلمان ابتدایی، راهنمایی و متوسطه استان سیستان و بلوچستان انجام دادند و راهکارهایی برای ارتقای منزلت اجتماعی آنان ارائه کردند. این تحقیق در نمونه‌ای با حجم ۳۷۲ نفر از جامعه معلمان مقاطع مختلف تحصیلی (۱۰۱۸ نفر) به وسیله تصادفی خوشه‌ای اجرا شده است. مهم‌ترین نتایج تحقیق به شرح زیر است: دغدغه بزرگ معلمان رفع نیازهای مادی و معیشتی آنهاست و از این نظر بین مقاطع مختلف تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. از نظر امنیت

شغلی نیمی از معلمان مورد مطالعه خود را فاقد امنیت شغلی دانسته‌اند و این امر بین دارندگان مدارک بالاتر، بیشتر محسوس بود. دلایل ناامنی معلمان به ترتیب: ترس از بیان و نقد اندیشه‌های مختلف، ترس از بیان ضعف‌های احتمالی حاکم بر سازمان و ترس از عواقب انتقاد صحیح و منطقی از مدیریت آموزشگاه بیان شده بود. از نظر نیازهای اجتماعی معلمان، بین آنان در مقاطع مختلف تفاوت معنی داری وجود نداشت. میانگین نیازهای مادی، امنیتی و اجتماعی معلمان ابتدایی و راهنمایی تفاوت معنی داری نداشت اما میانگین مربوط به معلمان متوسطه از دو گروه دیگر پایین‌تر بود. قائم‌پور (۱۳۸۸) تحقیقی با عنوان بررسی منزلت اجتماعی معلمان از دیدگاه دانش‌آموزان و دانش‌پژوهان پیش‌دانشگاهی انجام داد. نتایج تحقیق به شرح زیر است: بین ویژگی‌های فردی معلمان و منزلت اجتماعی آنان و بین مهارت‌های حرفه‌ای معلمان و منزلت اجتماعی آنان و نیز بین نقش شغلی معلمان و منزلت اجتماعی آنها رابطه مستقیم وجود دارد. سطح منزلت اجتماعی معلمان از نظر دو گروه دانش‌آموزان دختر و پسر متفاوت بوده است و نتیجه حاکی از آن است که سطح منزلت اجتماعی معلمان نزد دانش‌آموزان دختر بیشتر از دانش‌آموزان پسر است. بین پایگاه اجتماعی دانش‌آموزان و ارزیابی آنان از منزلت اجتماعی معلمان رابطه‌ای معکوس وجود داشت. رضایی و علیزاده (۱۳۸۷) تحقیقی با عنوان بررسی منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) و تغییرات آن در سه دهه گذشته به ثمر رسانده‌اند. این تحقیق در نمونه‌ای با حجم ۹۰۲ نفر از جامعه شهروندان تهرانی به وسیله نمونه‌گیری تصادفی اجرا شده است. مهم‌ترین نتایج تحقیق به شرح زیر است: از دیدگاه شهروندان تهرانی حرفه معلمی منزلت اجتماعی متوسط رو به بالا دارد. در این میان دبیر دبیرستان در مقایسه با آموزگار دبستان، جایگاه بالاتری را به خود اختصاص داده است که با توجه به سطح تحصیلات مورد نیاز برای شغل دبیری، این مسئله توجیه‌پذیر به نظر می‌رسد. همچنین حرفه معلمی از مشاغل پیشه‌وری مانند بقال، عطار، قصاب، سمسار، کله‌پز، قهوه‌چی، دستفروش و نیز مشاغل مهارتی مانند نجار، آهنگر، جوشکار، برقکار و تراشکار، کفاش، خیاط، لوله‌کش، سلمانی، نانو و همچنین مشاغل کارگری مانند کارگر، پستچی، نگهبان، تلفنچی و مشاغل راندگی‌مانند راننده تاکسی و مشاغل کشاورزی مانند کشاورز، دامدار جایگاه بالاتری دارد. از طرف دیگر، آنان بر این باورند که جایگاه مشاغل ورزش‌های حرفه‌ای مانند فوتبالیست حرفه‌ای، کشتی‌گیر حرفه‌ای، رزمی‌کار حرفه‌ای و مشاغل هنری مانند هنرپیشه سینما، خواننده، موسیقی‌دان و مشاغل تجاری تولیدی مانند کارخانه‌دار بزرگ، کارخانه‌دار کوچک، تاجر بازار، بنگاه‌دار اتومبیل، جواهرفروش، مشاغل نظامی و انتظامی مانند افسر پلیس، پاسدار، افسر ارتش

به ترتیب از حرفه معلمی بالاتر است. بنابراین منزلت اجتماعی حرفه معلمی هم ردیف با مشاغل کارمندی مانند کارمندان ادارات دولتی، کارمند بانک، کارمند شرکت نفت، کارمند شرکت بیمه است و جایگاه این حرفه در دوره‌های سی ساله رو به کاهش بوده است که به نظر می‌رسد مشکلات اقتصادی در پدید آمدن این وضعیت نقش مهمی دارد. صادقی کلیشادی (۱۳۸۴) تحقیقی با عنوان بررسی موقعیت اجتماعی دبیران از دیدگاه دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر اصفهان اجرا کرد. این تحقیق در نمونه‌ای با حجم ۳۰۰ نفر از جامعه کلیه دانش‌آموزان دختر شاخه متوسطه نظری و فنی و حرفه‌ای شهر اصفهان از طریق نمونه‌گیری چندمرحله‌ای و متناسب با حجم اجرا شده است. مهم‌ترین نتایج تحقیق از این قرار است: خصوصیات اخلاقی و روابط انسانی، خصوصیات تخصصی و حرفه‌ای، خصوصیات ظاهری و نیز عوامل مادی در پایگاه اجتماعی دبیران مؤثر بوده است. یافته‌های تحقیق تفاوت نظرات دانش‌آموزان مدارس دولتی را با غیرانفعالی، شاخه فنی و حرفه‌ای را با شاخه نظری و رشته‌های علوم پایه (ریاضی و تجربی) را با رشته‌های ادبیات و فنی نشان داد. نویدی و برزگر (۱۳۸۲) تحقیقی با عنوان مطالعه وضع موجود منزلت اجتماعی معلم در شهر تهران و شناسایی راه‌های ارتقای آن اجرا کردند. این تحقیق در نمونه‌ای با حجم ۲۰۰ نفر از معلمان، مدیران و معاونان واحدهای آموزشی از مناطق آموزش و پرورش شهر تهران از جامعه معلمان، مدیران و معاونان واحدهای آموزشی مناطق نوزده‌گانه آموزش و پرورش شهر تهران به وسیله مقیاس سنجش منزلت اجتماعی معلم اجرا شده است. داده‌های گردآوری شده با استفاده از روش کمی و کیفی تحلیل شده است. نتایج نشان داد منزلت اجتماعی معلمان تهران پایین است. معلمان مورد مطالعه منزلت خود را پایین ارزیابی کرده‌اند. صاحب‌نظران تعلیم و تربیت نیز اعتقاد دارند که معلمان منزلت اجتماعی شایسته‌ای ندارند. محمدی (۱۳۸۲) تحقیقی با عنوان بررسی شأن و موقعیت اجتماعی معلمان از دیدگاه دانش‌آموزان مدارس راهنمایی و متوسطه استان اصفهان انجام داد. مهم‌ترین نتایج تحقیق به شرح زیر است: (۱) دانش‌آموزان مدارس (راهنمایی و متوسطه، دختر و پسر، شهری و روستایی) شأن و منزلت اجتماعی معلمان را پایین ارزیابی کردند. (۲) بین دیدگاه‌های دانش‌آموزان در خصوص شاخص‌های منزلت اجتماعی معلمان (حیثیت شغلی، وضعیت اقتصادی، مذهب، سن، ویژگی‌های ظاهری، قدرت اجتماعی، میزان تحصیلات، نوع تخصص، مفید بودن، پیشینه خانوادگی و ویژگی‌های اخلاقی معلمان) تفاوت معناداری وجود دارد. (۳) بین دیدگاه‌های دانش‌آموزان راهنمایی و متوسطه درباره متغیر وضعیت اقتصادی معلمان تفاوت معناداری بوده است. دانش‌آموزان مدارس راهنمایی وضعیت اقتصادی (درآمد و حقوق) معلمان

را کمتر از دانش آموزان مدارس متوسطه ارزیابی کرده‌اند. (۴) دانش آموزان مدارس متوسطه به «داشتن اخلاق خوب در افزایش منزلت اجتماعی» بیشتر از دانش آموزان راهنمایی معتقدند، بین دیدگاه‌های دانش آموزان راهنمایی و متوسطه درباره این ویژگی، تفاوت معناداری وجود دارد.

**روش پژوهش.** تحقیق حاضر از نظر ماهیت جزو پژوهش‌های کمی، از نظر هدف در زمره تحقیقات کاربردی، از نظر میزان کنترل متغیرها از نوع غیر آزمایشی و از نظر روش، توصیفی-پیمایشی محسوب می‌شود. جامعه آماری تحقیق کلیه معلمان مدارس مقطع ابتدایی و متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ با نمونه آماری شامل ۳۸۴ نفر (طبق جدول مورگان) است که به روش تصادفی خوشه‌ای از میان پنج منطقه «۳، ۷، ۱۰، ۱۳، ۱۶» انتخاب و بررسی شده‌اند. ابزار اصلی تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته بوده است. پس از مرور کتابخانه‌ای و اینترنتی اسناد و منابع مربوط به پیشینه منزلت اجتماعی در ایران و جهان، مؤلفه‌های شناسایی شده فهرست شد و از معلمان خواسته شد بر اساس طیف لیکرت و با توجه به اهمیت آنها به منزله عوامل تأثیرگذار بر منزلت اجتماعی، امتیازی بین ۱ تا ۵ به آنها اختصاص دهند. روایی پرسشنامه با استفاده از روش روایی محتوا<sup>۱۳</sup> و با نظر چندین صاحب‌نظر در حوزه مدیریت آموزشی و تعلیم و تربیت پس از اعمال اصلاحات تأیید شد. برای حصول از پایایی<sup>۱۴</sup> پرسشنامه تحقیق نیز از آزمون آلفای کرونباخ بهره گرفته شد که ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۵ به دست آمد و بدین‌گونه ابزار تحقیق تأیید و در اختیار پاسخگویان قرار داده شد. پس از گردآوری و ورود داده‌ها به رایانه با کمک نرم‌افزار SPSS نسخه ۱/۵، از آزمون t تک نمونه‌ای و آزمون فریدمن برای تحلیل داده‌ها استفاده شد.

**یافته‌ها.** یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد از نظر سطح تحصیلات ۸/۵ درصد از افراد نمونه فوق دیپلم، ۷۷ درصد معلمان دارای مدرک لیسانس و ۱۳/۷ درصد فوق لیسانس بودند. از نظر توزیع سنی، اکثریت معلمان (۴۸/۴ درصد) بین ۳۱ تا ۴۰ سال را داشتند و بالای ۴۰ سال ۳۳/۹ درصد و زیر ۳۰ ساله‌ها برابر با ۱۷/۷ درصد بودند. از نظر سابقه خدمت، اکثریت معلمان را افرادی تشکیل داده‌اند که سابقه خدمت بالای ۱۱ سال داشته‌اند (۷۲/۲ درصد) و ۲۵/۸ درصد افراد نمونه کمتر از ۱۰ سال سابقه کار داشته‌اند. به منظور شناسایی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر منزلت اجتماعی معلمان، محقق با استفاده از ادبیات و پیشینه

13. Content Validity

14. Reliability

تحقیق، ۱۱ عامل مهم را شناسایی کرد و از معلمان مورد مطالعه خواست تا درباره درجه اهمیت این عوامل اجتماعی-فرهنگی در جامعه قضاوت کنند. به منظور تحلیل داده‌ها نیز از آزمون  $t$  تک نمونه‌ای استفاده شد و با تعیین میانگین نظری  $3 (3 - \mu)$  به مقایسه آن با میانگین‌های تجربی حاصله اقدام شد. جدول شماره ۱، نتایج آزمون  $t$  تک نمونه‌ای مربوط به ۱۱ عامل تأثیرگذار در منزلت اجتماعی معلمان را نشان می‌دهد.

### نگاره شماره (۱) - نتایج آزمون $t$ تک نمونه‌ای در خصوص عوامل تأثیرگذار در منزلت

#### اجتماعی معلمان

ردیف	عوامل تأثیرگذار	میانگین نظری	میانگین تجربی	اختلاف میانگین	میزان $t$	سطح معنی داری
۱	ایجاد و تقویت تشکل‌های صنفی معلمان	۳	۳/۶۵	۰/۶۵	۱۲/۳۸	۰/۰۰۰
۲	فراهم کردن زمینه مشارکت معلمان در فعالیت‌های اجتماعی-فرهنگی جامعه	۳	۳/۷۳	۰/۷۳	۱۴/۴۸	۰/۰۰۰
۳	جذب نیروهای علاقمند به شغل معلمی و تلاش برای حفظ و نگهداری از آنها	۳	۳/۶۵	۰/۶۵	۱۳/۰۶	۰/۰۰۰
۴	احیای نقش الگویی و تربیتی معلم در جامعه	۳	۳/۵۳	۰/۵۳	۱۱/۶۱	۰/۰۰۰
۵	روشن بودن اهمیت کار معلمان برای جامعه	۳	۲/۸۹	- ۰/۱۱	- ۱/۶۷	۰/۰۹۶
۶	افزایش اعتماد عمومی بین معلمان و مسئولان آموزش و پرورش	۳	۲/۸۸	- ۰/۱۲	- ۱/۸۲	۰/۰۰۷
۷	فراهم کردن زمینه دستیابی معلمان به مدارج علمی بالاتر	۳	۳/۴۱	۰/۴۱	۷/۸۲	۰/۰۰۰
۸	اولویت دادن به تعلیم و تربیت درکنار موضوعات مهم و کلان کشوری	۳	۳/۷۲	۰/۷۲	۱۴/۲	۰/۰۰۰
۹	اصلاح نگرش جامعه درباره مصرف کننده بودن آموزش و پرورش	۳	۳/۸۴	۰/۸۴	۱۷/۵۲	۰/۰۰۰
۱۰	ارج نهادن به ارزش‌های حرفه معلمی در جامعه و قدردانی مادی و معنوی از معلمان	۳	۳/۷۶	۰/۷۶	۱۶/۰۴	۰/۰۰۰
۱۱	تقویت خودباوری و استقلال در معلمان	۳	۲/۸۷	- ۰/۱۳	- ۱/۹۴	۰/۰۵۳

(منبع: یافته‌های تحقیق)

با توجه به میزان  $t$  به دست آمده و سطح معنی داری، پاسخ‌های نمونه‌های پژوهش نشان می‌دهد که میانگین نمرات عوامل ۱، ۲، ۳، ۴، ۷، ۸، ۹ و ۱۰ با میانگین نظری تفاوت معنی داری دارد. البته ۳ عامل دیگر (عوامل ۵، ۶ و ۱۱) نیز با توجه به نزدیک بودن میانگین نمرات با میانگین نظری در نظر گرفته شده متوسط ارزیابی می‌شود. نگاره‌های شماره (۲) و (۳) نتایج آزمون فریدمن و رتبه هر یک از ۸ عامل تأثیرگذار بر منزلت اجتماعی معلمان را نشان می‌دهد.

#### نگاره شماره (۲) - نتایج آزمون فریدمن و سطح معنی داری

تعداد نمونه‌ها	نمره کای اسکوئر	درجه آزادی	سطح معنی داری
۳۸۴	۴۷۸/۸۴	۳۸۳	۰/۰۰۰

(منبع: یافته‌های تحقیق)

#### نگاره شماره (۳) - رتبه هر یک از عوامل بر اساس آزمون فریدمن

ردیف	عوامل تأثیرگذار بر منزلت اجتماعی معلمان	میانگین رتبه
۱	اصلاح نگرش جامعه درباره مصرف‌کننده بودن آموزش و پرورش	۸/۴۶
۲	ارج نهادن به ارزش‌های حرفه معلمی در جامعه و قدردانی مادی و معنوی از معلمان	۸/۱۳
۳	فراهم کردن زمینه مشارکت معلمان در فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی جامعه	۸/۱۳
۴	اولویت دادن به تعلیم و تربیت در کنار موضوعات مهم و کلان کشوری	۸/۰۳
۵	ایجاد و تقویت تشکل‌های صنفی معلمان	۷/۸۶
۶	جذب نیروهای علاقمند به شغل معلمی و تلاش برای حفظ و نگهداری از آنها	۷/۷۹
۷	احیای نقش الگویی و تربیتی معلم در جامعه	۷/۳۲
۸	فراهم کردن زمینه دستیابی معلمان به مدارج علمی بالاتر	۷/۰۱

(منبع: یافته‌های تحقیق)

نتایج آزمون فریدمن نشان داد که بین رتبه‌های عوامل تأثیرگذار بر منزلت اجتماعی معلمان تفاوت معنی داری وجود دارد. از طرف دیگر اصلاح نگرش جامعه درباره مصرف‌کننده بودن آموزش و پرورش با میانگین ۸/۴۶، ارج نهادن به ارزش‌های حرفه معلمی در جامعه و قدردانی مادی و معنوی از معلمان با میانگین ۸/۱۳، فراهم کردن زمینه مشارکت معلمان در



فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی جامعه با میانگین ۸/۱۳ و اولویت دادن به تعلیم و تربیت در کنار موضوعات مهم و کلان کشوری با میانگین ۸/۰۳ جزو مهم‌ترین عوامل فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار بر منزلت اجتماعی معلمان بودند.

## فرجام

مفروض این است که علم و معلمی در مکتب الهی جایگاه بسیار والا و رفیعی دارد و نگاه الهی به معلم در انسان‌سازی و پرورش جوانان و جامعه خدامحور تفسیر شده است. پرداختن به مقوله منزلت علم، تدریس و معلم بدون توجه به جایگاه این مقوله در جوامع قدیم و جدید ممکن نخواهد بود. جامعه ایران، جامعه‌ای در حال گذار از وضعیت سنتی به مدرن است که به تبع آن ارزش‌ها و باورها نیز در حال تغییر و دگرگونی است. همچنین حاکم بودن ارزش‌هایی چون قناعت باعث می‌شد افرادی که با عشق به دانایی تدریس می‌کردند در مقایسه با کسانی که درآمد برایشان مهم‌تر بود، جایگاهی رفیع‌تر نزد جامعه داشته باشند. این فرایند عامل خوشبختی و منزلت بالای معلم بود، زیرا ارزش‌های جامعه جایگاه معلم را در جامعه تضمین می‌کرد. اما با ورود به دوران جدید، خوشبختی با مفهومی سنتی تفاوت پیدا کرد. حال با توجه به گذر جامعه ما به مدرنیته که گاه با تغییر پاره‌ای ارزش‌ها و هنجارهای سنتی همراه است، چنین جوامعی نه مدرن اند نه سنتی. سست شدن پایگاه معلمان را نیز می‌توان یکی از پیامدهای این گذار تلقی کرد. بنابراین اصلاح نگرش جامعه به آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین راهبردها برای افزایش منزلت اجتماعی معلمان قلمداد می‌شود.

با نگاهی به سلسله مراتب مازلو می‌توان پی برد که هنوز بسیاری از معلمان جامعه از عهده نیازهای فیزیولوژیکی خود بر نیامده‌اند و در تهیه نان و مسکن و پوشاک خود عاجزند؛ بنابراین انتظار نمی‌رود که انگیزه‌ای برای رسیدن به مرحله بالاتر از تأمین نیازهای اولیه خود داشته باشند. مشکلات معیشتی باعث می‌شود او و خانواده‌اش احساس حقارت کنند. معلم محتاج مجبور است شغل دوم و سوم پیدا کند. چنین شخصی وقت نیز حوصله کافی برای شغل اصلی خود نخواهد داشت و نیز دست زدن به شغل‌هایی دون شأن او باعث تضعیف عزت درونی و منزلت اجتماعی او خواهد شد. تحقیق حاضر نیز نشان داد ارج نهادن به ارزش‌های حرفه معلمی در جامعه و قدردانی مادی و معنوی از معلمان یکی از عوامل تأثیرگذار بر منزلت معلمان است. علاوه بر این از نظر معلمان، فراهم کردن زمینه مشارکت معلمان در فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی جامعه و اولویت دادن به تعلیم و تربیت در کنار موضوعات مهم و کلان کشوری نیز در افزایش منزلت اجتماعی معلمان تأثیر زیادی دارد.

آموزش و پرورش به منزله قلب پیکره جامعه است که موجب می‌شود بخش‌های دیگر جامعه رشد و پیشرفت کنند. با مطالعه سرنوشت کشورهای پیشرفته متوجه نقش آموزش و پرورش در ارتقای بخش‌های دیگر کشور می‌شویم اما نکته مهم این است که اهمیت تعلیم و تربیت به عوامل آن بر می‌گردد و در میان عوامل آموزش و پرورش «معلم» مهم‌ترین عامل تلقی می‌شود. در واقع مهم‌ترین وسیله رسیدن به اهداف آموزش و پرورش معلم پویاست. معلمان که در فرایند تعلیم و تربیت، مجریان خط مقدم برنامه‌های آموزش و پرورش هستند، با دانش و مهارتی که کسب کرده‌اند موجبات رشد و بالندگی فراگیران را فراهم می‌آورند. همان‌گونه که پیامبر اکرم (ص) معلمان را ستارگان آسمان می‌داند که راه را به مردم نشان می‌دهد. اما یکی از عوامل مهم در اجرای شایسته نقش معلمان انگیزه قوی آنهاست و از عوامل مهم در برانگیخته شدن انگیزه معلمان این است که معلمان منزلت اجتماعی بالایی داشته باشند. در واقع در رهگذر تعلیم و تربیت، هر قدر معلم محبوبیت بیشتری داشته باشد، تأثیرگذاری پایدارتری نیز خواهد داشت. همچنین تقویت منزلت اجتماعی معلمان یکی از حساس‌ترین وظایف آموزش و پرورش است. با توجه به تأثیر فراوان متغیرهای فرهنگی-اجتماعی در منزلت اجتماعی معلمان پیشنهاد می‌شود که زمینه مشارکت بیشتر معلمان به‌ویژه معلمان با میزان تحصیلات بالاتر در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه مثل حضور در سمینارها و همایش‌ها و نیز ارج نهادن مادی و معنوی به حرفه معلمی بیش از گذشته در نظر گرفته شود.

### منابع فارسی

- افلاکی فرد، حسین (۱۳۸۰)، *بررسی منزلت اجتماعی معلم در نظام تعلیم و تربیت اسلامی از آرمان تا واقعیت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی.
- بهمنی، ش. (۱۳۸۰)، *بررسی جایگاه اجتماعی معلمان در مقایسه با سایر مشاغل از دیدگاه اولیای دانش‌آموزان (گزارش تحقیق)*، اهواز، اداره کل آموزش و پرورش استان خوزستان.
- رضایی، علی محمد و ابراهیم عزیزاده (۱۳۸۷)، "بررسی منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) و تغییرات آن در طول سه دهه گذشته"، *نوآوری‌های آموزشی*، شماره ۲۹، صص ۲۶-۷.
- رودباری، مسعود و رضا حکیمی (۱۳۸۸)، "بررسی مقایسه‌ای جایگاه اجتماعی معلمان ابتدایی، راهنمایی و متوسطه استان سیستان و بلوچستان"، *مجله علوم تربیتی و روانشناسی*، سال سی و سوم، شماره ۳.

رون، سید امیر (۱۳۹۱)، "در ضرورت ارتقای جایگاه اجتماعی معلمان"، *مجله رشد معلم*، شماره ۸.

کلیشادی، زهرا (۱۳۸۴)، *بررسی موقعیت اجتماعی دبیران از دیدگاه دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر اصفهان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.

علاقه‌بند، علی (۱۳۸۲)، *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، تهران: انتشارات امیرکبیر.

فیروزی ثانی، حسن (۱۳۸۹)، *بررسی راه‌های افزایش منزلت اجتماعی معلمان از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان شهر مرند*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران شمال.

قائم‌پور، محمدعلی (۱۳۸۸)، *بررسی منزلت اجتماعی معلمان از دیدگاه دانش‌آموزان و دانش‌پژوهان پیش‌دانشگاهی*، معاونت برنامه‌ریزی اداره کل آموزش و پرورش استان قم.

محمدی، علی (۱۳۸۲)، *بررسی شأن و موقعیت اجتماعی معلمان از دیدگاه دانش‌آموزان مدارس راهنمایی و متوسطه استان اصفهان*، دانشگاه اصفهان.

نویدی، احمد و محمود برزگر (۱۳۸۲)، "راه‌های ارتقای منزلت اجتماعی معلمان"، *مجله روانشناسی علوم تربیتی*، شماره ۷۴.

ورنون، جوزف (۱۳۷۹)، *بررسی پایگاه حرفه‌ای و احساس اجتماعی معلمان در آموزش و پرورش*، ترجمه رضا محمدی، تهران: انتشارات سازمان پژوهش.

یونسکو (۱۹۹۴)، *اندیشمندان تعلیم و تربیت*، جلد ۴، ترجمه محمدتقی سبزواری (۱۳۸۵)، تهران: دانشگاه تربیت معلم.

#### منابع لاتین

- Dinham, S., & Scott, C. (2000), *Teachers' Work and the Growing Influence of Social Expectations and Pressures. Paper presented at the Annual Meeting of the American Educational Research Association*, New Orleans, LA, 2428-April 1998, Available from: [www.eric.edu.org](http://www.eric.edu.org)
- Heller, C.S. (1999), "A Reader in Comparative Social Stratification", *Structural Social Inequality*, New York: Mac Millan.
- Hoyle, E. (2010), "Social Status of Teaching", *The International Encyclopedia of Teaching and Teacher Education*, (2nd Ed.), New York: Elsevier Science Inc.
- Lin, J.F. (2005), *The Work Satisfaction of Senior Primary School Teachers in Taipei*, Unpublished Master's Thesis, Taipei, Taiwan, Graduate Institution of Basic Education, National Taipei Teachers' College.

Ramanathan, R. (2007), *Teacher Organizations Perspective on the Status of Teacher. In Partnerships in Teacher Development for a New Asia*, (pp.213-227). Bangkok: UNESCO Principal office for Asia and the pacific.

Treiman,D.J.(2004), *Occupational Prestige in Comparative Perspective*, New York: Academic Press.

Vernon .M.O. (2001), The Status of Teachers in Germany and Ireland, *Comparative Education Review*, vol 27, no 3, pp341-50.